

کلمات ترتیب زمانی

کلمه‌های اول، ابتدا، دومین، سومین و ... کلماتی هستند که در بعضی از جمله‌ها می‌آیند و ترتیب زمانی، انجام گرفتن اتفاقات را نشان می‌دهد.

مانند: اول، صبحانه را همراه پدر و مادر کامل می‌خورم.

دومین کار که در روز جمعه انجام می‌دهم نظافت و حمام رفتن می‌باشد.

کلر سوم به دیدار پدر بزرگ و مادر بزرگ می‌روم.

املا دان

با توجه به درس «ادب از که آموختی»، فعالیت‌های زیر را انجام بده.

الف: کلمات خواسته شده را در جاهای خالی بنویس.

سعی	عطار	عسل	عمل	عالم	دو کس	کلمات بدون نقطه
	خود	طب‌له	ادب	طبل	دانا	کلمات یک نقطه
		تهی	غازی	نظرم	رنج	کلمات دو نقطه
			انسان	بیهوده	آموخت	کلمات سه نقطه
				اندوخت	بی فایده	کلمات چهار نقطه
					ناپسند	کلمات پنج نقطه

ب: در هر کدام از کلمه‌ها حرفی جا افتاده است، حروف مناسب را پیدا کن و بنویس.

آوا...ز

پره...یز

نظرم

سع...ی

عطار

میان ته...ی

غ...ازی

طبله...ی

لق...مان

ع...لم



ادب از که آموختی؟ ➔ درس چهاردهم

تمرین



۱ وصل کن و کلمات غیر ساده بساز.

کسالت اور	کسالت	ناپذیر
هنر نمای	هنر	فایده
نفوذ ناپذیر	نشود	شنوا
بی فایده	بی	آور
کم شنوا	کم	نمای

۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آن‌ها را بنویس.

الف: ما از بی ادبان، با بی توجهی به آن‌ها، ادب می‌آموزیم. هر کاری در نظرم ناپسند آمد از آن پرهیز کردم

ب: مخالف واژه‌ی «عالم»، «نادان» است.

پ: در جمله‌ی «من گلستان را با اشتیاق ورق زدم»؛ اگر کلمه‌ی گلستان نباشد پیام جمله کامل نمی‌شود.

ت: دانا به طبل غازی شبیه شده است. دانا به طبله‌ی عطار تشبیه شده است

جنگی	غازی	سختی	رنج
صندوقچه	طبّه	تو خالی	میان تهی
دوری کردن	پرهیز	تلاش و کوشش	سعی
دانشمند	عالم	جمع کرد	اندوخت



علوی

کلمه‌ها را بخوان و به طور مناسب در گروه‌های هم‌خانواده قرار بده.



مدرسه - درس - تدریس
ادب - مؤدب - آداب
تعلیم - علم - تعلم
عطار - معطر - عطر

در برخی موارد فعل از جمله حذف می‌شود که ما از طریق معنی جمله، متوجه حذف فعل می‌شویم.

نکته

در جمله‌های زیر موارد حذف شده را بنویس.

الف: عالم بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل.....

ب: ادب از چه آموختی؟ از بی‌ادبان.....
آموختم

پ: دانا چون طبله‌ی عطار است، خاموش و هنر نمای.....
می‌باشد

نمودار جمله‌های زیر را رسم کن.

الف: مریم دوستش را دید.

۶ نمودار جمله‌های زیر را رسم کن.

الف: مریم دوستش را دید.

مریم دوستش را دید

ب: برنا وسایلش را برداشت.

برنا وسایلش را برداشت

۷ با این کلمه‌ها جمله بساز و نمودار آن را رسم کن.

کاشت - پیرمرد - را - زیبا - مهربان - گل

پیرمرد مهربان گل زیبا را کاشت.

پیرمرد مهربان گل زیبا را کاشت



درنا موضوع «شاعران» را برای نوشتن تحقیق خود انتخاب کرد. او ابتدا موضوع را به موضوعات کوچکتر تقسیم کرد. یعنی از بین شاعران، سعدی را انتخاب کرد. دومین کاری که او برای تحقیق خود انجام داد، به کتابخانه مراجعه کرد. از بین کتابها و مجلات، اطلاعاتی به دست آورد و سپس مطالب زیر را جمع آوری کرد. به طور مثال:

محل زندگی و تاریخ تولد سعدی / دوران کودکی سعدی / در جاهایی که درس می خوانده / به جاهایی که سفر کرده / کتابهایی که نوشته و در آخر این مطالب جمع آوری شده را مرتب کرد و در برگه‌ی اصلی نوشت و به کلاس برد.

الف: حالا با توجه به اطلاعاتی که درنا به دست آورده است، دوبند درباره‌ی «سعدی» بنویس.

Blank writing area with horizontal lines for the student to write their response to question 'الف'.

ب: از روی متن، جملاتی که با کلمات (ابتدا، دومین، سپس، آخر) مشخص شده‌اند پیدا کن و بنویس.

ابتدا:

دومین:

سپس:

آخر:

علوی

۹ با توجه به سوالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: کدام جمله، «مفعول» دارد؟

(۱) دانا طبله‌ی عطار است.

(۲) از عمل ناپسند پرهیز کردم.

(۳) مشک آن است که ببوید.

(۴) بلم، چندان که بیشتر خوانی.

فعل‌هایی که به مفعول احتیاج دارند، که اگر از آنها سؤال کنیم: «چه چیز را، چه کسی را؟» می‌بایست پاسخی برای ما داشته باشند.



ب: کدام یک از فعل‌های زیر به مفعول نیاز دارد؟

- (۱) نشست (۲) آمدند (۳) خرید (۴) گردید

پ: رابطه‌ی «تهی» و «خالی» مانند رابطه‌ی است .

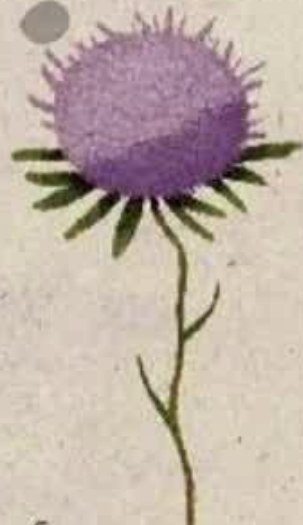
- (۱) تهی - پر (۲) علم - عالم (۳) طبل - طبله (۴) پرهیز - دوری

ت: در عبارت «یکی را گفتند: عالم بی عمل به چه ماند؟ گفت: به زنبور بی عسل»، شباهت قسمت‌های مشخص شده در چیست؟

- (۱) زبان داشتن (۲) سودمند نبودن (۳) نادان بودن (۴) بیکار بودن

ث: در متن درس، سعدی «دانا» و «نادان» را به ترتیب به چه چیزهایی شبیه کرده است؟

- (۱) طبله و طبل (۲) عطار و غازی (۳) مشک و طبل (۴) عسل و زنبور



خوانش و پردازش



متن زیر را بخوان و به پرسش‌ها پاسخ بده.

۱۰

دو امیرزاده در مصر بودند، یکی علم آموخت و آن دگر مال اندوخت. عاقبة الامر این یکی «علامه‌ی عصر» گشت و آن دگر «عزیز مصر» شد. باری توانگر به چشم حقارت در درویش فقیه نظر کرد و گفت: «من به سلطنت رسیدم و این همچنان در مسکنت بمانده است». گفت: «ای برادر! شکر خدا را می‌باید کرد که میراث پیغمبران یافتیم؛ یعنی، علم، و تو میراث فرعون و هامان؛ یعنی، ملک مصر.»

من آن مورم که در پایم بمالند نه زنبورم که از دستم بنالند.
کجا شکر این نعمت گزارم که زور مردم آزاری ندارم؟

«گلستان سعدی (باب سوم)»

الف: این حکایت را به زبان ساده بنویس.

.....

.....

.....

.....

ب: کدام برادر میراث پیغمبران را یافته بود؟

.....

پ: میراث فرعون و هارون چه بود؟

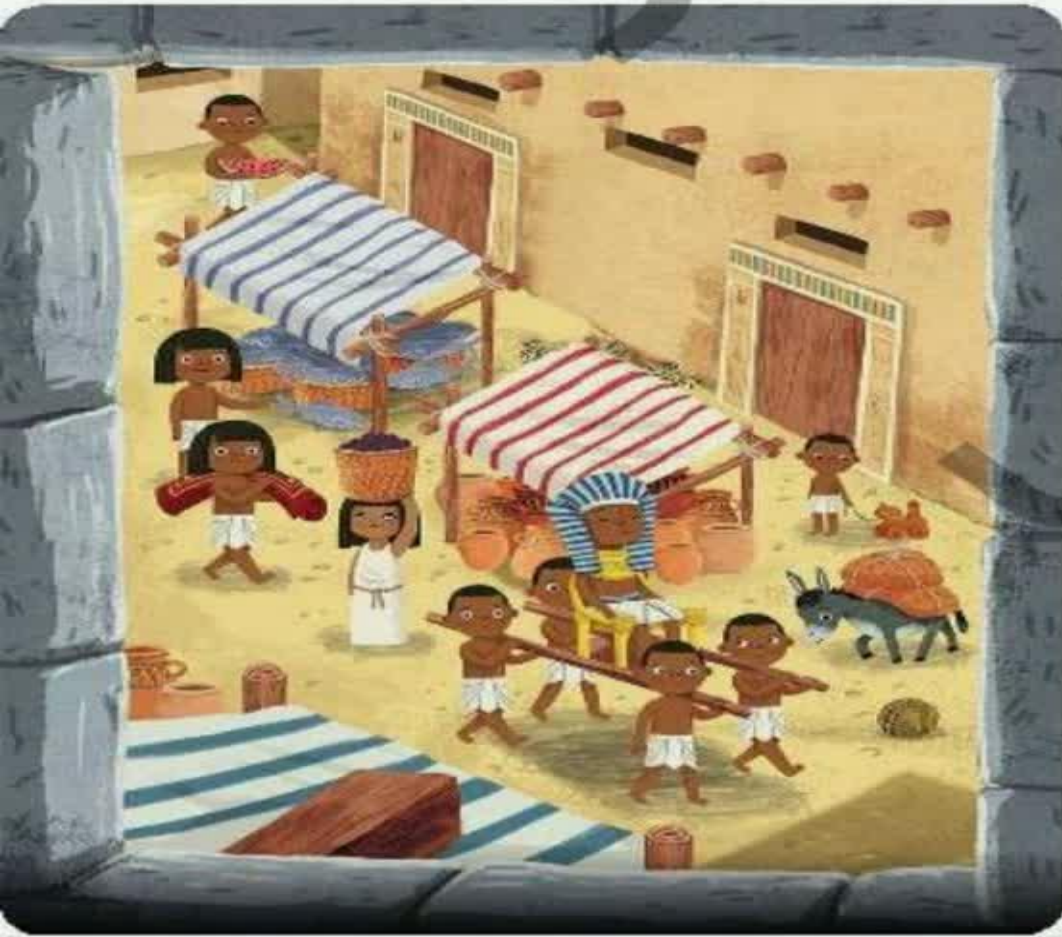
.....

ت: چرا برادر توانگر به چشم حقارت در درویش فقیر نگاه کرد؟

.....

ث: پیامی که از این حکایت دریافتی را بنویس.

.....



الف: این حکایت را به زبان ساده بنویس.

به دلخواه دانش آموز

ب: کدام برادر میراث پشمبران را یافته بود؟

آن که علم آموخت

پ: میراث فرعون و هارون چه بود؟

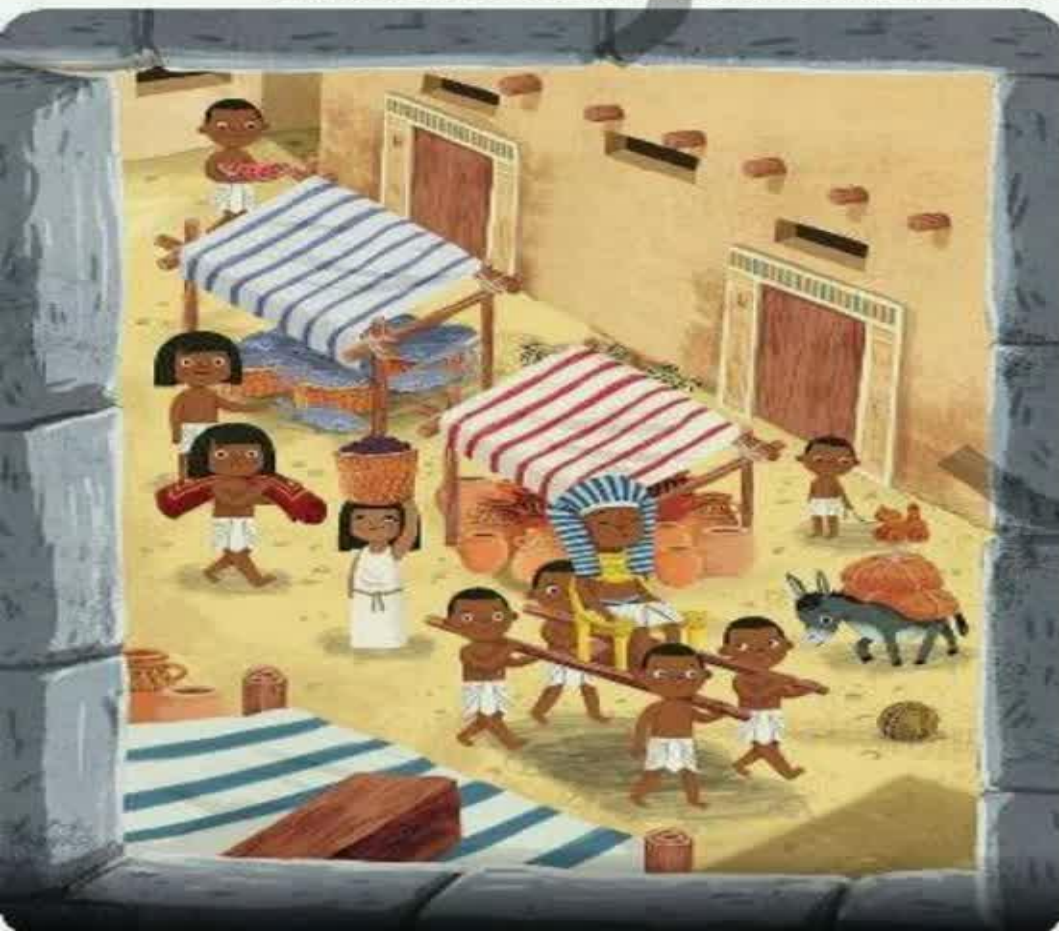
ملک مصر و ثروت

ت: چرا برادر توانگر به چشم حقارت در درویش فقیر نگاه کرد؟

به دلخواه دانش آموز

ث: پیامی که از این حکایت دریافتی را بنویس.

به دلخواه دانش آموز



«شیر و موش»

آموختنی‌ها

- ۱ ساختن کلمات مرکب با واژه‌ی «زابه»
- ۲ تقویت فضایل اخلاق به ویژه گذشت
- ۳ اتصال در کلمه یا - ربط
- ۴ آشنایی با ضرب‌المثل



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

- یکه:
- موشک:
- خفته: خوابیده
- آشفته:
- متغیر:
- یک غازی: بی‌ارزش
- لوس:
- هراس:
- وحوش:
- مفقرت: آمرزش
- لابه: گریه و زاری
- رحم:
- حول و حوش: اطراف

در عوض: به جای

خلاص:

صید:

ناهماهنگی: بی‌نظمی

قطعات: قطعه‌ها، تکه‌ها

متفکرانه: در حال تفکر

سلیق: گذشته، قبل

فاش: آشکار، ظاهر

تحمل: صبر، شکیبایی

سرور: بلا خوانی

تعلق داشتن: وابستگی داشتن

وادر کردن:

بازیگوش:



علوی

کلمات متضاد

سخت = آسان

بهترین = بدترین

حقیقت = دروغ

موفقیت = شکست

کلمات هم خانواده

مربوط، ارتباط، ربط، رابط

تکلیف، مکلف

تعلق، متعلق

موفقیت، توفیق، موفق

میل، امیال، مایل

درست = غلط

تشویق = تنبیه

آخرین = اولین

جدی = شوخی

راضی، رضا، رضایت

موضوع، وضع، اوضاع

دقیقاً، دقیق

متغیر، تغییر، تغییرات

صید، صیاد

خطا =

خفته =

هراسیدن =

مغفرت، استغفار

رحم، رحمان، رحیم

حاصل، محصول

عوض، تعویض

یکی از صفات پسندیده در انسان‌ها کمک کردن است.
 مهربانی و محبت هیچ‌گاه فراموش نمی‌شود بلکه به خود ما برمی‌گردد و به قول ضرب‌المثل معروف «از هر دست بدهی از همان دست هم می‌گیری»
 در شعری که خواندیم نتیجه‌ی لطف و محبت شیر به خودش برگشت و باعث رهایی او از دام صیاد شد.
 یادمان باشد که کمک کردن به کوچکی و بزرگی بیست ...

بود شیری به بیشه‌ای، خفته موشکی کرد، خوابش آشفته

🔊 شیری در بیشه‌ای خوابیده بود که ناگاه، موشی کوچک خواب او را پریشان کرد.

آن قدر گوش شیر، گاز گرفت که رها کرد و گاه باز گرفت

🔊 موش آن قدر گوش شیر را گاز گرفت و رها کرد و دوباره آن را گاز گرفت.



تا که از خواب، شیر شد بیدار متغیر ز موش بد رفتار

🎧 تا این که شیر از خواب بیدار شد و در حالی که از دست موش بد رفتار خیلی خشمگین بود.

دست برد و گرفت کله‌ی موش شد گرفتار، موش بازی گوش

🎧 دستش را دراز کرد و کله‌ی موش را گرفت و به این شکل، موش بازی گوش گرفتار شیر شد.

خواست تا زیر پنجه، له کندش به هوا برده، بر زمین زندش

🎧 شیر می‌خواست موش را زیر پنجه‌اش له کند، او را به هوا بلند کند و به زمین بزند.

گفت: ای موش لوس یک غازی با دم شیر می‌کنی بازی

🎧 شیر گفت: «ای موش لوس بی ارزش! با دم شیر بازی می‌کنی!؟»

موش بیچاره در هراس افتاد گریه کرد و به التماس افتاد

🎧 موش بیچاره بسیار ترسید و شروع به گریه کرد و التماس و خواهش کرد.

که تو شاه وحوشی و من موش موش هیچ است پیش شاه وحوش

🎧 [موش گفت:] ای شیر، تو پادشاه حیوانات وحشی هستی و من، موشی بیش نیستم. موش در مقابل پادشاه حیوانات، چیزی نیست.

تو بزرگی و من خطا کارم از تو امید مغفرت دارم

🎧 تو بزرگواری و من گناهکارم و من از تو امید دارم که گناه مرا ببخشی.

شیر از این لابه، رحم حاصل کرد پنجه وا کرد و موش را ول کرد

🎧 شر از این خواهش و التماس، دلش به رحم آمد، پنجه اش را باز کرد و موش را آزاد کرد.

اتفاقاً سه چهار روز دگر شیر را آمد این بلا بر سر

🎧 اتفاقاً سه چهار روز بعد، این بلا بر سر شیر آمد که،

از پی صید گرگ، یک صیاد در همان حول و حوش، دام نهاد

🎧 یک صیادی برای شکار گرگ، در همان اطراف، دام گذاشت.



علوی

دام صیاد، گیر شیر افتاد عوض گرگ، شیر گیر افتاد

🎧 دام شکارچی نصیب شیر شد و به جای گرگ، شیر گرفتار دام شد.

موش چون حال شیر را دریافت از برای خلاص او بشتافت

🎧 وقتی موش، از گرفتاری شیر باخبر شد، برای نجات او به شتاب رفت.

بندها را جوید با دندان تا که در بُرد شیر از آنجا جان

🎧 بندهای دام را با دندان جوید تا این که شیر از آن دام نجات یافت.

شیر چون موش را رهایی داد خود رها شد ز پنجهی صیاد

🎧 چون شیر، موش را آزاد کرد، خودش نیز از دست شکارچی آزاد شد.



ساخت واژه‌ی جدید با «زار»

اسم + زار → کلمه‌ای جدید به معنی فراوانی و انبوهی چیزی در یک مکان می‌باشد.

نمک + زار → نمکزار ← جایی که پر از نمک است.

گل + زار → گلزار ← جایی که گل در آن فراوان می‌روید.

نی + زار → نیزار ← جایی که پر از نی است.

شن + زار → شنزار ← جایی که شن فراوان است.

لاله + زار → لاله‌زار ← جایی که لاله فراوان است.

کلماتی که در بالا آمده کلمات غیر ساده هستند.

کاربرد (ـ) ربط

★ برای اتصال کلمات با یکدیگر از ربط استفاده می‌شود.

مانند: دست + من ← دستِ من

رخش + رستم ← رخسِ رستم

اگر کلمه‌ی اول به یکی از صداهای «ا»، «ه»، «و» ختم شوند به جای ربط «ی» می‌گیرد.

مانند: پا + من ← پایِ من

مو + سیاه ← مویِ سیاه

کله + موش ← کله‌ی موش



نوشتن یک املا بدون نقطه یا نقطه گذاشتن یک متن بدون نقطه، در تقویت املا بسیار مؤثر است.

الف: با توجه به درس شیر و موش نقاط پاک شده را سر جای خودش قرار بده.

بود سمری به بسه‌ای، حفه	موسکی کرد حواس آسعه
آن قدر گوس سمر، گار گرفت	گه رها کرد و گاه بار گرفت
با که از خواب، سمر سد سدار	سحر ر موس بد رفتار
دست برد و گرفت کله‌ی موس	سد گرفتار، موس باری گوس
حواس با ربر سعه، له کندس	به هوا برده، بر رمن رتدس
گفت: ای موس لوس تک عاری	با دم سمر می‌کمی باری
موس سحاره در هراس اهاد	گربه کرد و به الماس اهاد

ب: ده واژه‌ی دشوار این درس را بدون نقطه بنویس.

